



مشکل دام مازاد در مراتع کشور مفهوم و ریشه‌های آن

محمد فیاض^۱

قواعدی تعیین می‌شود. در این قواعد نکاتی که مورد توجه قرار می‌گیرند شامل مقدار تولید مرتع در سال مورد نظر و مقدار تولید گیاهانی است که دام از آنها چرا می‌کند. یادآور می‌شود، دام همه گیاهان را چرا نمی‌کند، چرا که تعدادی به دلیل خشکی و خاردار بودن، تعدادی هم به دلیل ترکیبات موجود در گیاه که باعث می‌شود طعم آن به ذائقه دام خوشایند نیاید و گاهی برای دام سمی است، خیلی کم مورد چرای دام قرار می‌گیرند.

تعداد دام تعیین شده برای چرا در مرتع نیز بر اساس قواعد علمی به عنوان ظرفیت چرای دام از مرتع شناخته شده و دام مجاز تلقی می‌شود. دام مازاد هم به تعداد دام بیش از حد مجاز، اطلاق می‌شود (دفتر امور مراتع کشور، طرح‌های مرتع‌داری مصوب).

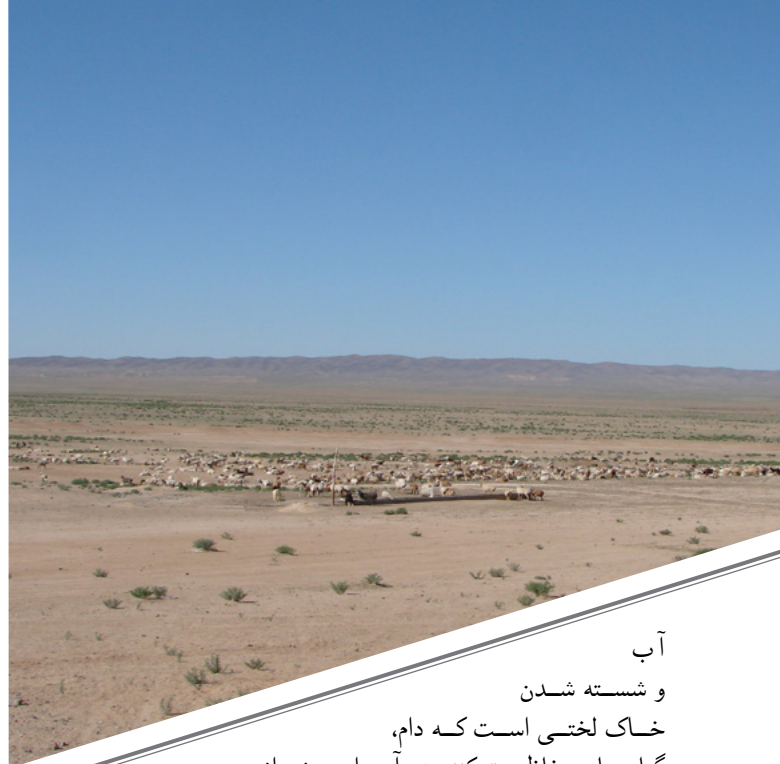
دام مازاد، از نظر مفهومی، بیانی برای توضیح یکی از مشکلات عمده در مدیریت مراتع کشور است. مراتع در ایران از نگاه کسانی که برای چرای دام از آن استفاده می‌کنند، محلی برای تأمین علوفه دام است. کارشناسان بر پایه دانش و علم مرتع‌داری معتقدند استفاده از مراتع برای چرای دام یکی از خدمات متعدد مرتع به جوامع انسانی است که باید از اصول و قواعدی پیروی کند. نخست اینکه دام باید در زمان آمادگی گیاهان برای چرا، وارد مرتع شود؛ دوم اینکه گیاهان به اندازه‌ای چرا شوند که بتوانند اندوخته کافی در پایان فصل رویش، برای شروع رشد در سال بعد، در اندام‌هایشان ذخیره کنند. از این‌رو قبل از مصرف تمام اندوخته گیاه توسط دام، باید چرا خاتمه یافته و دام از مرتع خارج شود. رعایت اصول زمان مناسب برای ورود



دام مازاد به مفهومی که بیان شد، اصلی‌ترین مشکل مدیریت مراتع در کشور است. این مشکل هزینه‌های زیادی به کشور تحمیل کرده و می‌کند. از بارزترین خسارت‌های آن، از بین رفتن ذخایر ژنتیکی گیاهی کشور، افزایش هدررفت

دام به مرتع و خروج از آن به این مفهوم است که دام در تمام سال نباید در مراتع به چرا مشغول باشد. علاوه بر ضرورت رعایت زمان مناسب ورود و خروج دام در مرتع، تعداد دام چراکننده نیز بر اساس

۱- عضو هیئت علمی مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، تهران، ایران
پست الکترونیک: phayaz@riff-ac.ir



آب

و شسته شدن

خاک لختی است که دام،

گیاهان حفاظت کننده آن را بیش از

حد چرای کرده است. نتیجه این کار خارج شدن

خاک شسته شده از عرصه تولید است و به عبارت دیگر

کاهش توان و قدرت تولید خاک باقی مانده، نتیجه استمرار

این مشکل برای کشور خواهد بود. تأثیر خسارت یادشده

محدود به محل وقوع آن نیست، بلکه افزایش هدررفت آب،

خطر بروز سیلاب و حمل خاک شسته شده و رسوب آن

پشت سدهای ذخیره‌ای و کاهش ظرفیت مفید آنهاست. از

این رو خسارات آن به نوعی ملی و متوجه کل جامعه است.

دولت برحسب وظایفی که در قانون عهده دار شده است،

حق استفاده از مراتع را بر اساس ضوابطی مشخص به مردم

واگذار می‌کند. کسانی که این حقوق به آنها واگذار می‌شود،

اغلب افرادی هستند که سابقه دامداری و استفاده از مرتع مورد

نظر را داشته‌اند، از این رو دولت نوعی حقوق عرفی برای آنها

قائل است. بنابراین چنین افرادی در حق استفاده از مرتع اولویت

دارند. چارچوب عملیاتی شدن اجرای قانون، با صدور پروانه

چرای دام و یا واگذاری حق بهره‌برداری برای چرای دام در قالب

طرح‌های مرتع‌داری صورت می‌گیرد. در پروانه چرای و همچنین

طرح مرتع‌داری فردی که حق استفاده از مرتع برای چرای دام را

دارد، مشخص شده است. تعداد و نوع دامی که اجازه دارد وارد

مرتع کند نیز مشخص شده و همچنین زمانی که باید دام را وارد

مرتع کرده و زمان خروج دام هم تعیین شده است.

آنچه بیان شد مفهوم دام‌مازاد، اثرات دام‌مازاد بر

سرمایه‌های ملی و ابعاد وظایف قانونی دولت در مدیریت

مراتع کشور بود. اما آنچه واقعیت دارد، وجود تعداد دام‌مازاد

به مفهومی که بیان شده، گاهی تا بیش از ۳ برابر ظرفیت

مجاز مرتع است (طرح واگذاری مدیریت کوچ به عشایر).

دام در تمام ایام سال در مراتعی که روستاییان استفاده می‌کنند

حضور دارد به استثنای زمانی که به دلیل برف و سرمای

زمستان در مناطق سردسیر و گرمای بیش از حد تابستان در

مناطق گرمسیر، طبیعت اجازه ورود دام را نمی‌دهد. اما در مراتعی

عشایر مورد

استفاده قرار می‌دهند

مشکل حضور دائمی دام در مرتع

وجود ندارد ولی حضور دام بیش از زمان و

تعداد تعیین شده در پروانه است.

برای شناخت ابعاد مشکل دام‌مازاد در مراتع، ۳۱۷ طرح

مرتع‌داری به صورت نمونه، اعم از روستایی و عشایری در

استان‌های مختلف کشور مورد بررسی قرار گرفت. سرانه

دام موجود خانوار روستایی ۵۶/۹ واحد دامی ولی سرانه

دام مجاز آنها ۳۷/۶۶ واحد دامی بود. سرانه دام موجود

خانوار عشایری هم ۱۱۵/۳۲ واحد دامی ولی سرانه دام

مجاز آنها ۷۴/۴۴ واحد دامی بود (سند راهبردی توسعه

تحقیقات منابع طبیعی ایران، مؤسسه تحقیقات جنگلها و

مراتع کشور، ۱۳۸۸).

در تمام گزارش‌هایی که موضوع بهره‌برداری از

مراتع را مورد توجه قرار داده وجود دام‌مازاد اصلی‌ترین

مشکل مراتع ایران مطرح شده است (دفتر امور مراتع،

طرح‌های مرتع‌داری مصوب. مؤسسه تحقیقات جنگلها

و مراتع کشور، بررسی کارآیی مدیریت‌های کنونی بر

مراتع ایران). این مشکل یک تهدید برای یکی از

منابع طبیعی تولید یعنی مراتع کشور بوده و پیامدهای

آن، کاهش توان تولید و تهدید سلامت مراتع است. توأم

شدن این پدیده با پدیده تغییر اقلیم، روند از دست

رفتن توان تولید مراتع را تشدید می‌کند. بروز و نمود

اثرات تخریب ناشی از چرای دام‌مازاد و خارج از فصل

هم در کاهش پوشش گیاهی زمین، هدررفت آب باران،

بروز سیلاب‌های مخرب، انقراض گیاهان و به تبع

آن تخریب موجودات خاک‌زی و کاهش منابع غذایی



حشرات و سایر موجودات جانوری مؤثر است. اثرات غیر مستقیم حضور دام مازاد در مراتع در افزایش جمعیت آفات مزارع کشاورزی با هجوم آفاتی که پیش‌تر گیاهان مرتعی میزبان آنها بوده‌اند، شسته شدن خاک حاصلخیز سطحی و خارج شدن آن از محلی که پیش‌تر برای تولید گیاهان مراتع از آن استفاده می‌شد، پر شدن سدها که با هزینه‌های سنگین سرمایه‌های ملی احداث شده‌اند و... نمود و بروز می‌یابد (تأثیر تخریب مراتع بر فرسایش خاک، دومین کنفرانس بین‌المللی توسعه پایدار، راهکارها و چالش‌ها با محوریت کشاورزی، منابع طبیعی، محیط زیست و گردشگری، ۱۳۹۴؛ مقایسه میزان تلفات خاک تحت مدیریت چرای شدید و کشت دیم، مجله مهندسی و مدیریت آبخیز، دوره ۳ شماره ۳۴، ۱۳۹۰؛ بررسی نقش درصد تاج پوشش در رسوب‌دهی، مجله مهندسی مدیریت آبخیز، دوره ۳ شماره ۴، ۱۳۹۰ و تخریب مراتع عامل اصلی ورود سن گندم به مزارع، جهاد کشاورزی اهر، ۱۳۹۳).

چرا این مشکل با وجود اینکه سالیان متمادی به‌عنوان اصلی‌ترین مشکل مراتع، توسط مدیران، کارشناسان و حتی بهره‌برداران یاد می‌شود، همچنان حل نشده باقی‌مانده است؟

عوامل استمرار این مشکل و رفع نشدن آن را با وجود توافق کلیه ذی‌ربطان و ذی‌نفعان بر وجود آن، به شرح زیر می‌توان دسته‌بندی کرد:

۱. عامل مربوط به نحوه مدیریت دولت
۲. عامل مربوط به رفتار بهره‌برداران
۳. عامل مربوط به نظرات ناکارآمد کارشناسان تصمیم‌ساز
۴. عامل مربوط به شیوه تعامل دولت با بهره‌برداران
۵. عامل مربوط به حوزه قانونگذاری

تأثیر نحوه مدیریت نهادهای دولتی مسئول در استمرار مشکل، در نبود توجه کافی به وظایفی بوده و هست که در قانون تکلیف شده است. بعد از ممیزی مراتع، پروانه چرا برای بهره‌بردار توسط نهاد دولتی ذی‌ربط صادر شده و تعداد دام مجاز در طرح‌های مرتع‌داری که واگذار می‌شود نیز مشخص می‌شود، ولی کنترل آنها در اغلب مراتع کشور جدی گرفته نشده است. به تدریج قانون‌گریزی تبدیل به یک امر عادی برای بهره‌برداران شده است. افرادی که به حسب تعریف قانون بهره‌بردار شناخته می‌شدند وقتی از شمول تعریف قانون خارج شدند و دیگر دامی نداشتند، پروانه‌هایشان باطل نشد و همچنان اکنون نیز پروانه دارند در حالی که دام ندارند و برخی از آنها پروانه اجاره می‌دهند بدون اینکه کنترل بر تعداد دام داشته باشند. این مشکل در مراتعی که پروانه چرای دام به نام شورای روستا صادر شده است به صورت ضعف

در کنترل تطابق تعداد و مدت چرای دام از مرتع، با پروانه صادر شده است. از این‌رو افرادی که این‌گونه مراتع را از شورا اجاره می‌کنند، در فکر بیشترین استفاده از مرتع هستند و کمتر مسئولیتی در استفاده به‌اندازه و صحیح از مرتع از خود نشان نمی‌دهند. زیرا تعلق خاطری به آن ندارند و در اندیشه جبران هزینه اجاره و استفاده بیشتر هستند.

عامل مربوط به رفتار بهره‌برداران سامان‌های عرفی مراتع را که پروانه چرا برای آنها صادر و طرح‌های مرتع‌داری به آنها واگذار شده و می‌شود، در چارچوب مشاعی بودن بهره‌برداری آنها می‌توان توضیح داد. در این الگوی واگذاری حق بهره‌برداری از مراتع، اغلب بهره‌برداران بیش از اینکه در فکر استفاده صحیح از مرتع باشند در فکر بهره‌برداری بیشتر در رقابت با یکدیگر هستند. اینکه آیا می‌شود پروانه به صورت مشاعی صادر نشود؟ اغلب پاسخ منفی است. دلیل آن نبود تعدد منابع آب شرب کافی برای دام در سامان عرفی است. تحت شرایط محدودیت منابع آب شرب برای دام، نمی‌توان مرتع مشاعی را به نحوی تقسیم کرد که

چند سالی است که استفاده از مشارکت مردم مطرح می‌شود ولی سایه تفکر دولتی بر آن سنگینی می‌کند. به این مفهوم که نهاد دولتی مربوط تصمیم گرفته است مردم به نحوی که این نهاد تشخیص می‌دهد مشارکت کنند.

تداخلی در استفاده از مرتع صورت نگیرد. هنگامی که یک منبع آب شرب دام در یک سامان عرفی وجود دارد، همه ناگزیر هستند، برای سیراب کردن دام‌هایشان از آن استفاده کنند؛ از این‌رو نهادهای

مسئول ناگزیر از صدور پروانه مشاعی هستند. با توجه به مراتب فوق برخورد مسئولانه بهره‌برداران راه حل مشکل است. متأسفانه در مراتع مورد چرای دام عشایری علاوه بر مشکل یاد شده، چرای دام روستاییان هم‌جوار قبل از ورود دام از مراتع عشایری، از مشکلات عشایر به‌شمار می‌رود. علاوه بر این، چرای دام در مراتع دیگر عشایر که در مسیر کوچ دام‌هایشان برای رسیدن به مراتع متعلق به خودشان قرار دارد، دیده می‌شود (گزارش ارزیابی طرح ملی تعادل دام و مرتع، ۱۳۸۴). حل این مشکل نیز بیش از آنکه از سوی دولت با پرسنل و امکانات محدود در گستره وسیع مراتع کشور امکان‌پذیر باشد، با برخورد مسئولانه بهره‌برداران قابل حل است.

عامل مربوط به نظرات کارشناسان، در آدرس غلط دادن به تصمیم‌گیران برای حل مشکل بروز پیدا می‌کند. اگر کارشناسان از ابتدا مدیران را به سمت تصمیم‌گیری در نحوه اجرای وظایف قانونی هدایت می‌کردند، اکنون مدیریت مراتع با پروانه‌داران بدون دام، دامداران با دام مازاد بر پروانه چرا و چرا از مراتع سایرین و... مواجه نبود.

آدرس‌ها چه بود؟ ایجاد درآمد جایگزین از طریق توسعه زنبورداری، پرورش ماهی و اکوتوریسم به این مفهوم که بهره‌بردار مرتع که تجربه و دانش بومی آن محدود به همان دامداری در مراتع است، زنبورداری کند، ماهی پرورش دهد و در حوزه اکوتوریسم فعالیت کند؛ فعالیت‌هایی که

در قانون، به عهده کسانی که مسئولیت قانونی مدیریت مراتع را دارند، واگذار نشده است. نظراتی که با وجود چندین سال مطرح شدن عملاً توسط بهره‌بردار مرتع عملی نشده است. چون این مشاغل از نظر مهارت فنی و از نظر تقویم کار با شغل و فعالیت دامداری در مرتع سازگار نیست. اخیراً که در کارایی این گونه راه‌حل‌ها تردیدها بیشتر شده، واگذاری حقوق قابلیت زنبورداری، پرورش ماهی و اکوتوریسم به غیر دامدار با شرط پرداخت حق بهره‌برداری آن به دامدار، مطرح می‌شود بدون اینکه بررسی‌های لازم در خصوص اقتصاد هر یک از فعالیت‌های یاد شده و معیارها و شاخص‌های تعیین میزان حق بهره‌برداری آن صورت گرفته و مهم‌تر اینکه فرایند قانونی شدن آن طی شده باشد.

عامل مربوط به شیوه تعامل دولت با بهره‌برداران: روش یک‌طرفه تصمیم‌گیری بدون مشارکت بهره‌برداران صورت مشکل است. چند سالی است که استفاده از مشارکت مردم مطرح می‌شود ولی سایه تفکر دولتی بر آن سنگینی می‌کند. به این مفهوم که نهاد دولتی مربوط تصمیم گرفته است مردم به‌نحوی که این نهاد تشخیص می‌دهد؛ مشارکت کنند. وقتی نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود، تمرکز بر جلسه‌های متعدد در دفاتر اداری و هر از گاهی بازدیدی از عرصه برای برون رفت از مشکل، نبود مشارکت قابل قبول بهره‌برداران، اتفاق مهم حل مسأله است. ایجاد تشکل صنفی به‌نوعی مدیریت شده توسط دولت از دیگر راه‌حل‌هایی است که کمتر از یک دهه تجربه آن آغاز شده است. در این شیوه حل مشکل به تدریج بهره‌برداری که قرار بود به نمایندگی از دیگر بهره‌برداران در جلسه‌ها مشارکت کنند، به دنبال پیدا کردن جایگاهی برای خود به‌جای نمایندگی کردن دیگران است. نهاد دولتی هم برای تأیید اقداماتش و سخنرانی در مورد موفقیت‌های خود از آن بهره‌مند می‌شود.

چرا در تعامل با مردم به راه حل نمی‌رسیم؟ مردمی که در سخت‌ترین آزمون‌ها مانند جنگ تحمیلی، ورق جنگ را از نفوذ دشمن به کشور به فرار دادن آن از میهن تغییر دادند. مردمی که در جهاد سازندگی با کمک‌های خود همراه دولت هر غیرممکنی را ممکن می‌کردند. چرا آن موقع کمک مردمی بود و تشکر مردم از دولت، ولی چندین سال است که جای آن را مطالبه وام و کمک و گله مردم از دولت گرفته است. دیگر آن‌گونه اتفاق‌ها کمتر رخ می‌دهد. آن موقع مدیر





مورد

آن حساس باشیم و

احساس مسئولیت کنیم. باید همه به وظیفه

قانونی و الهی خود عمل کنیم.

تو بای به راه درنه و هیج مپرس

خود راه بگویدت که چون باید رفت

دولتی،

کارشناس دولتی و مردم

یک هیئت ظاهری داشتند و ساعت کارشان

با ساعت کار مردم همخوانی داشت. وقتی سیستم کاملاً

مردمی جهاد سازندگی که می‌توانست الگوی برخاسته از

انقلاب باشد و تعمیر داده شود، خودش به سمت الگوی

اداره دولتی برگرفته از الگوی متکی به دیوان‌سالاری سنتی

تغییر یافت، به تدریج ظاهر مدیر و کارمندان متفاوت از

مردم شد؛ کت و شلوار رسمی جای لباس ساده و زیبایی کار

کردن را گرفت و ساعت کارش با مردم متفاوت شد. اگر قبلاً

به سراغ مردم می‌رفت به تدریج پشت میز در دفتر کار

نشست تا مردم برای دیدنش در نوبت باشند. کمک‌های

مردمی تبدیل به درخواست وام از دولت و راه حل حضور

در میدان کار تبدیل به راه حل بخشنامه و دستورالعمل بدون

پایش شد.

عامل مربوط به قانون‌گذاری، در مورد اجرای قانون

مدیریت مراتع، در حد همان تصویب و ابلاغ، مشابه

بخشنامه‌های مشارکت مردم باقی ماند و مطالبه کارآمد

برای اجرای آن صورت نگرفت. گویا مطالبه‌ای برای نظارت

آن نیست.

حال چه باید کرد؟

باید باز جوییم روزگار وصل خویش؛ تصمیم بگیریم که به آرمان‌هایمان

پایند بوده و مردم خود را دوست داشته باشیم. حقوق همه مردم ایران

و نسل‌های آینده را نسبت به مراتع در عمل به رسمیت بشناسیم و در

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ

منابع

بیات، ر.، قرمزچشمه، ب. و رفاهی، ح.، ۱۳۹۰. بررسی نقش

درصد تاج‌پوشش در رسوب‌دهی. مجله مهندسی و مدیریت

آبخیز.

رئیس‌یان، ر.، چرخابی، ا. و نکوئی، م.، ۱۳۹۰. مقایسه میزان تلفات

خاک تحت مدیریت چرای شدید و کشت دیم. مجله مهندسی و

مدیریت آبخیز.

عرب‌خدری، م.، ۱۳۹۳. مروری بر عوامل مؤثر بر فرسایش آبی

خاک در ایران. نشریه مدیریت اراضی.

عصاره، م.ح. و سیداخلاقی، س.، ۱۳۸۸. سند راهبردی توسعه تحقیقات

منابع طبیعی ایران، انتشارات مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور.

قیطوری، م.، انصاری، ن.، سندگل، ع. و حشمتی، م.، ۱۳۸۵. عوامل

مؤثر در تخریب مراتع ایران. نشریه تحقیقات مرتع و بیابان ایران،

شماره ۲۵.

محبی، ع.، ۱۳۹۴. امکان‌سنجی واگذاری مدیریت کوچ به عشایر.

گزارش منتشر نشده، مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور.

محمدی، ع.، ۱۳۹۳. تخریب مراتع عامل اصلی ورود سن گندم به

مزارع. خبرگزاری فارس.